

تأثیر مُخرِب مذهب و مراسمهای مذهبی بر کودکان!

فرزاد ادیبی



”تصاویر دیدنی از همایش شیرخوارگان حسینی“ این سر تیتر گزارش روزنامه بازتاب است که با عکسهای کودکان خردسال، در حالیکه از وحشت چهره خبیث آخوند منبر و سیاهی یکپارچه مجلس جیغ می زنند، مزین شده است.

اگر نگاهی به همه تصاویر چاپ شده در روزنامه مذکور بیاندازید، بیشک با من هسنظر خواهید شد که آدم بزرگ نرمال در همچین مراسمی وحشت می کند تا چه برسد به نوزادی که نمی تواند در پس حجاب سیاه اسلامی، مادرش را تشخیص دهد.

چشمان خیس و از حنقه درآمده این نوزادان، سخنی جز وحشت و بی خبری از دنیا وحشی اسلامی، نمی دهد. اگر این نوزادان توان سخن گفتن و فریاد زدن داشتند، بی شک بر سر مادران مذهب زده خود فریاد می زدند که ”ای مادر بی عقل نمی ترسی که من زهره ترک بشوم و بمیرم؟“ و لابد باید جواب

گزارش و تفسیر، منتشر می کنند.

متأسفانه این اولین باری نیست که در مدیا و رسانه های جمعی این اخبار و گزارشها، در حالیکه مرتکبین جرم یعنی تعرض کننده گان به حقوق کودکان، با افتخار، جنایات خود را منعکس می کنند.

ادامه در صفحه 2

مادر سیاهپوش را حدس بزنیم ”فدای امام حسین“. دنیای وارونه و کثیفی است. کودکانی که حتی تشخیص اینکه کدام از این زنان سرتا پا سیاه، مادرشان است برایشان دشوار است را به مسجد عزاداری امامشان می برند و با افتخار در روزنامه ها از آن

زندگی شاد، امن و خلاق حق مسلم کودکان است

چند هفته پیش فیلم روضه خوانی کودکی خرد سال بر روی نت بود که موجب خشم نفرت تمامی بشر دوستان و مدافعین حقوق کودک فرار گرفت. کودک خرد سالی که ادای آخوند های منبر را در می آورد و در رنای امامان، روضه می خواند. گریه می کند، بر سر و روی خود می کوبد و دیگران را هم به این امر تشویق می کند.

کودک، دین و مذهب ندارد. هیچ احدی حتی پدر و مادر حق ندارند تحت نام مذهب، مثبت و هر نوع تفکری که دارند، به کودک خود تعرض کنند. نه تنها جسم و روان کودکانی که در خانواده های اسلامی به دنیا می آیند اینگونه مورد تعرض فرار می گیرد بلکه در جهان هر روزه میلیونها



به مراتب وحشتناکتر است. ختنه دختران و پسران، یعنی دست داری به روح و جسم کودکان و شکنجه آنان، بخشی از آداب و رسومی است که حتی در قلب اروپا هم به خود جرئت می دهد، کودکان را مورد تعرض فرار دهد.

به این تصاویر به دقت نگاه کنید! کودکانی که باید در میان ماسه ها بازی کنند. شخصیت بیگانه خود را پیدا و رشد دهند، در میانههای و گریه صدها انسان از خود بیگانه، دست و پا می زنند و سرگردان و نگران، مزه تلخ مذهب را مزه مزه می کنند. جای این کودکان د رمهد کودکان آموزشی است نه در مساجد و تکیه ها.

این مسخ و شستشوی مغزی کودکانی است که اسلاميون، نقشه ریخته اند در آینده نه چندان دور به بدن نجفشان، 100 کیلو دینامیت ببندند و آنان و دهها کودک دیگر را به خاک و خون بکشند.

دست مذهب از زندگی کودکان باید کوتاه شود. هیچ مرجع مذهبی حق ندارد. ذهن پاک کودکان را مورد تعرض فرار دهد.

کودک بر اساس تفکر و اعتقادات خانواده، جامعه و دولت مورد دست بویزه اسلامی، اوضاع داری، شکنجه و اذیت و آزار فرار می گیرند. در خانواده مذهبی و بویزه اسلامی، اوضاع